

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خلاصه کتاب بر گستره کتاب و سنت صفحه های ۲۵۵ الی ۳۰۰

استاد راهنما: حجت الاسلام محمد احمدی

نویسنده: میلاد سلجوقی

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

از جمله مباحث مهم جهان اسلام بحث عصمت انبیاء هستش که به وسیله آیات و روایات ثابت می شود.

یک مورد از آیات که عصمت انبیاء را ثابت می کند آیات ۳۹ تا ۴۲ سوره حجر هستش که ابلیس قسم یاد کرده که تمام بندگان خداوند را گمراه کند الا مخلصین آنها که توانایی گمراه کردن آنها را ندارد از جمله مصادیق مخلصین انبیاء الهی هستند.

اما در منابع اهل تسنن روایاتی هستش که تهمت های ناروایی به انبیا الهی می زنند به عنوان مثال روایت وهب بن منبه که شخصیت حضرت داوود را زیر سوال می برد ولی این روایت هم از لحاظ دلالتی و سندی معتبر نیست، از این موارد بسیار است که قصد لکه دار کردن شخصیت انبیاست اما این مطلب بر هیچ کس پوشیده نیست که روایات از این قبیل دروغی بیش نیست.

در کنار روایات دروغین، آیاتی هم وجود دارد که برداشت های نادرستی از آنها می شود که نتیجه آن عدم عصمت انبیاست مثلا برداشت اشتباه گناه کار بودن حضرت آدم در سوره طه آیه ۱۲۱ (وعصی آدم ربه فغوی) که در جواب می گویم اصلا حضرت آدم برای زندگی در بهشت خلق نشده بود بلکه تقدیر به این صورت بود که اینطوری به زمین بیاید.

هدف از نوشتن این مقاله وجود تهمت های که نسبت به انبیا وجود دارد که پاسخ داده می شود و در نتیجه می شود گفت که تمام روایات و برداشت های که از آیات دارند اشتباه است و عصمت انبیا را نمی توانند رد کنند.

ابلیس هیچ گونه سلطه ای بر جانشینان خدا در زمین ندارد:

خداوند متعال در جاهای مختلف در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده که شیطان بر انسانهای مخلص هیچ تسلطی ندارد، که ما به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می کنیم:

۱. سوره حجر آیه ۳۹-۴۲ «قال ربّ بما أغویتنی لأزیننّ لهم فی الارض و لأغوینهم اجمعین، إنا عبادک منهّم المخلصین...»

ترجمه «ابلیس گفت پروردگارا، حال مرا گمراه ساختی، در زمین برای آنها جلوه گری کرده، و همه آنها را گمراه می کنم، مگر بندگان مخلصت را...»

بنابر آیه ۱۲۴ سوره بقره (واذابتلی ابراهیم ربه بکلمات...) یکی از مصادیق افرادی که ابلیس بر آنها تسلط ندارد انبیاء الهی هستن.

ظلم، گاهی ظلم انسان بر مردم است و گاهی ظلم انسان بر خودش هست و گاهی ظلم انسان بر خداوند هست که بدترین نوع ظلم همین مورد آخر است.

اما به هر حال فرقی ندارد بین انواع ظلم در اینکه هر کدام باشی ظالم محسوب میشی و همچنین اینکه در چه برهه ای از زمان باشد گذشته، حال، آینده.

آثار عمل و جاودانگی آن و گسترش برکت و شومی برخی اعمال بر زمان و مکان:

اما قبل از اینکه عصمت انبیاء را بیان کنیم باید متوجه شویم که چطور شده که برکت و شومی بر زمان و مکان گسترش پیدا کرده، و نتیجه اعمال بشریت در دنیا و آخرت هم بررسی شود، بنابراین می گوئیم:

خداوند در قرآن، شب قدر را مایه برکت و نزول ملائکه آسمانی در زمین می پندارد (سوره بقره آیه ۱۸۵)

و همچنین ماه مبارک رمضان که در روایات و آیات به صراحت به عظمت او اشاره شده، چون ماهی است که در آن قرآن نازل شده و به وسیله آن مردم حق را از باطل تشخیص می دهند.

یکی از زمانهای که مایه برکت است روز جمعه هستش که از زمان حضرت آدم این امر مبارک دانسته شده، که به این مطلب در کتاب «عقاید اسلام در قرآن کریم» اشاره شده.

اما از مکانهای شومی که مایه نحوست است:

زمانی که پیامبر با اصحاب برای جنگ تبوک از مکانی عبور می کردند، پیامبر یارانش را از عبور از سرزمین «اصحاب حجر» برحذر داشت!^۱

و همچنین عزیمت امیرالمومنین با مخنف بن سلیم به سمت بابل که حضرت به او هشدار داد که در بابل سرزمینی شومی است، بنابراین اسبت را تیزتر بران که نماز عصر را خارج از آنجا اقامه کنیم.

راوی می گوید «زمانی که با امیرالمومنین از پل طراه عبور کردیم حضرت فرمود برای هیچ یک از اولیاء خدا سزاوار نیست در این مکان شوم نماز اقامه کند»^۲.

عصمت جانشینان خدا از گناه و معصیت:

اعمال و رفتار انسان ها آثار جاودانه دارد، گاهی اثر عمل در آخرت آتشی می شود که گریبان گیر فرد می شود و گاهی به لذت های بهشتی تبدیل می شود.

انسانهای مخلص خداوند جزو گروه دوم هستن و به وسیله برهان های او و بصیرتی که در وجودشان نهفته است از خطا و اشتباه دوری می کنن.

اما عده ای هم هستند که به وسیله آیات متشابه شبهاتی پیرامون عصمت انبیاء الهی مطرح می کنند که به اختصار پیرامون آن بحث می کنیم:

الف- روایات دروغینی که علیه نبی خدا داوود و خاتم انبیاء محمد(ص) ساختند:

ازدواج حضرت داوود با بیوه اوریا که در قرآن، سوره ص آیه ۱۷-۲۶ آمده هست که روایاتی کذب در تاویل این آیات آمده مانند:

۱. **روایت وهب بن منبه:** این روایت وهب را طبری نقل می کند که داوود در میان بنی اسرائیل به فرمان خدا قضاوت می کرد و جانشین خداوند در میان آنها بود تا گرفتار آن زن شد،

او که فردی عابد بود وقتی به محراب خود می رفت و کتاب زبور را تلاوت می کرد کسی حق مزاحمت نداشت و در مجاورت خانه اش مردی اسرائیلی زندگی می کرد، یک روز که داوود در محراب عبادت می کرد پرنده ای حواسش را پرت کرد و اون را کشاند به لب پنجره ای که باز میشد به باغچه مرد اسرائیلی، که ناگهان چشمش افتاد به همسر وی که داشت خود را می شوید، زن که متوجه حضور داوود شد بدنش را با موی خویش پنهان کرد، داوود که شیفته او شده بود برگشت پی عبادت اما نقشه به هلاکت رساندن اوریا را کشید و به فرمانده خود دستور داد که او را در معرض خطرات بیندازد که بمیرد، بعد کشته شدن شوهر وی داوود که ۹۹ زن داشت زن اوریا را هم به ازدواج خود در آورد.

خداوند وقتی او در محراب بود دوتا ملک فرستاد به سوی او، داوود وقتی آن دو را دید حراسان شد، دو ملک گفتن نترس ما دو برادر هستیم که می خواهیم تو بین ما قضاوت کنی.

یکی از آنها گفت: برادرم ۹۹میش دارد و من یک عدد او طمع کرده و می گوید آن یک میش را بده به من(کنایه به داوود که ۹۹ زن داشت و طمع آن زن کرد...) داوود بدون اینکه حرف های طرف مقابل را بشنود اون را توبیخ کرد، ناگهان متوجه شد که کل ماجرا برای طمع خویش بوده، و او خود را به سجده انداخت و از خداوند طلب بخشش کرد، خداوند او را بخشید و بابت کرده

وعده داد که از اوریا طلب بخشش می کند، داوود هم خطای خویش را کف دست خود نوشت و هر وقت غذا می خورد و اون را می دید و می گریست و هر وقت با مردم صحبت می کرد مقابل آنها می گرفت تا اثر اشتباه او را ببینند.³

۲. روایت حسن بصری:

حسن بصری روایتی بدون سند هم مضمون همان روایت وهب بن منبه نقل می کند که حضرت داوود چطور بخاطر بیوه اوریا مرتکب گناه می شود و ادامه ماجرا...⁴.

پاورقی:

۱. صحیح بخاری ۴/۱۴۸ غزوه تبوک و تفسیر سوره حجر

۲. بحار الانوار ۱/۴۱۶۸ به نقل از علل الشرایع ۱۲۵

۳. تفسیر طبری ۲۳/۹۵ و ۹۶ چاپ دار المعرفه بیروت

۴. تفسیر طبری ۲۳/۹۶ چاپ دار المعرفه بیروت. تفسیر سیوطی ۵/۱۴۸

روایت «یزید رقاشی» از انس بن مالک:

یزید رقاشی از قول انس بن مالک، و او از قول پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که حضرت داوود شیفته آن زن شد و شوهرش را به جنگ فرستاد و کشته شد و با زن وی ازدواج کرد و ادامه ماجرا مانند روایت قبلی..

بررسی اسناد این روایات:

الف- وهب بن منبه:

ابن سعد در طبقاتش در مورد وهب می گوید، ۹۲ کتاب که از آسمان نازل شده را خوانده ام که ۷۲ کتاب در اختیار عموم مردم بود اما ۲۰ عدد از آنها کمتر کسی دیده بودند.

دکتر «جواد علی» می گوید او گرایش به یهود داشته و ادعا داشته که من یونانی، سریانی، حمیری و خواندن کتابهای پیشین را می دانم.

و همچنین پدر وی ایرانی که خسرو او را به یمن فرستاد.

قصص الأنبياء یکی از تالیفات وی هست که در کشف الظنون نام برده شده^۱.

ب- حسن بصری:

وی فردی بود که در فصاحت و بلاغت تبحر داشت تا آنجایی که در مکتب خلفا در شهر بصر او را امام خود می دانستن^۲.

اما در مورد عقیده او «قَدَرَى مسلک» بود و بعدها توبه کرده اما قیام علیه حکومت فاسد حجّاج را جایز نمی دانسته.

اعتبار احادیث وی در ردیف افراد ضعیف هست چون در موارد بسیار به دنبال سند سازی بوده است.

و در روایتی از او سوال می کنند که این فتوایی که نقل می کنی بر اساس نظر خودت هست یا از روایاتی که

شنیده ای؟ وی گفت نه بخدا قسم بر اساس نظر خودم هست ولی نظر خودم بهتر است برای آنها..^۳.

ابن ابی العوجاء یکی از شاگردان حسن بصری که از زندیقان معروف عصر خویش بود ارزش سوال می کنند که چطور مکتب استادت را رها کردی می گوید مکتب استاد من مشخص نبود گاهی قدری بود گاهی جبری بود.

ج-یزید بن ابان رقاشی:

یزید رقاشی اعمال و رفتاری از او سر میزد که مطابق گفتار و سنت پیامبر اکرم نبوده مثلاً، به قدری خود را گرسنگی و تشنگی می داد که بدنش ضعیف و رنگش دگرگون شود.⁴

در مورد ارزش روایاتش به همین جمله بسنده کنیم که «شعبه» در موردش می گوید راهزنی و یا زنا کنم بهتر است تا از او نقل حدیث کنم.

ابوحاتم هم احادیث او را ضعیف می دانست.

در اعتقادات هم قدری مسلک بود و در نقل احادیث ضعیف.⁵

پاورقی:

۱. طبقات ابن سعد جلد ۵ ص ۳۹۵، چاپ اروپا_کشف الظنون، ص ۱۳۲۸_ دکتر جواد علی، جلد ۱ ص ۴۴.

۲. وفیات الاعیان، ابن خلکان، جلد ۱، ص ۳۵۴، چاپ اول_ طبقات ابن سعد، جلد ۷، بخش اول، ص ۱۳۰.

۳. طبقات ابن سعد، جلد ۸، ص ۱۲۰.

۴. تهذیب التهذیب، جلد ۱۱، ص ۳۰۹_۳۱۱_ تهذیب الکمال، جلد ۸، ص ۲۶۸، نسخه خطی ظاهریه.

۵. طبقات ابن سعد، جلد ۷، قسمت دوم، ص ۱۳، چاپ اروپا.

نقد و بررسی متون روایات گذشته:

نخست- وهب بن منبه:

و هب در برخی از روایت کلام را به خود نسبت می دهد در برخی دیگر به اهل کتاب، و وقتی رجوع می کنیم به تورات متوجه می شویم که این داستان متفاوت هست و از مقایسه آنها متوجه می شویم که هب برخی از روایت را از تورات و برخی از کتب دیگری آورده که در علم درایه به آن روایات اسرائیلی می گویند.

دوم-حسن بصری: وی روایت خود را بدون ذکر سند، به صورت مرسل نقل کرده است و این عمل او، کار را بر محققان بسیار سخت کرده است، و این روش را اکثر راویان روایات اسرائیلی انتخاب نمودند.

سوم-یزید رقاشی: یزید رقاشی که خود را فردی زاهد وانمود می کرد این روایت را به انس بن مالک و پیامبر اکرم نسبت می دهد ولی اهل خبره در علم حدیث می دانند که او این روایت را از حسن بصری به آن دو نسبت داده است، و همچنین که طبری و سیوطی آن روایت را در تفسیر خود به عنوان حدیث ذکر کرده اند.

نتیجه این بررسی ها:

و هب بن منبه به تصریح خودش روایت را از تورات نقل می کند، و حسن بصری با همان مضمون به صورت مرسل ذکر نموده و یزید رقاشی روایت را به انس بن مالک و پیامبر اکرم نسبت می دهد.

اینگونه روایات جعلی فراوان است که مطالب کذب را به صحابه پیامبر اکرم نسبت می دهند که با مراجعه به صفحه های آخر کتاب الدر المنثور مشخص می شود.

ازدواج رسول خدا با زینب در روایت:

بنابر نظر خازن صحیح ترین سخن در مورد آیه ۳۶-۴۰ سوره احزاب اینست که روایتی از سفیان بن عیینه و او از علی بن زید بن جدعان که امام سجاد از او در مورد نظر حسن بصری از آیه مذکور سوال کرده بود و او گفته بود «وقتی زید قصد طلاق زینب را داشت و او مد پیش پیامبر، حضرت گفت از خدا بترس و همسرت را نگهدار»

امام سجاد فرمود درست نیست چون خدا پیامبر را از اینکه قرار است زینب همسر وی بشود مطلع کرده بود پس وقتی زید آمد و آن مطلب را گفت و پیامبر فرمود همسرت را نگهدار خداوند خطاب به پیامبر که مورد سرزنش قرار داد فرمود چرا گفתי همسرت را نگهدار مگر من تورا مطلع نکرده بودم که قرار است زینب همسرت شود؟!

تاویل و معنای این آیات در روایات مکتب خلفا:

دو روایت هم مضمون از این آیات آمده است اولین روایت که طبری به نقل از و هب بن منبه آورده که می گوید: پیامبر زینب بن جحش را به ازدواج زید بن حارثه در آورد، روزی پیامبر اکرم رفت پی زید در خانه در این هنگام زینب بدون حجاب در خانه بود و پرده کنار رفت و پیامبر او را دید و در شگفت و ادامه ماجرا...²

دومین روایت هم از حسن بصری با همین مضمون در مورد آیات مذکور آمده است.

نقد و بررسی هر دو روایت:

الف- بررسی سندی: دو نکته اول اینکه در مورد شخصیت این دو قبلا صحبت کردیم که افراد ضعیفی در نقل حدیث هستن دوما آنها سال ها بعد از پیامبر بوده اند چطور این داستان رو بدون ذکر سند مدرک نقل می کنند؟!

ب- بررسی متن: با کمی دقت مشخص می شود که روایت دروغ است چون متن حدیث می گوید پیامبر زینب را بدون حجاب دید متحول شد در حالی که آیات تکلیف حجاب بعد از ازدواج پیامبر با زینب نازل شد و پیامبر قبلا زینب را بدون حجاب بارها دیده بودند.

پاورقی: ۱. تفسیر طبری، جلد ۲۲ ص ۱۰۱ و ۱۱ چاپ دارالمعرفه بیروت.

داستان ازدواج و طلاق زید با زینب و ازدواج با پیامبر اکرم با او:

حضرت خدیجه پس از اینکه زید بن حارثه را خرید او را به پیامبر بخشید و وقتی پدر و عموی او متوجه حضور او در پیش پیامبر شدند برای اینکه او را برگردانند، در نزد پیامبر آمدند اما زید پیامبر را به پدر و عمویش ترجیح داد حاضر نشد با آنها برگردد، از آن به بعد بود که پیامبر در بیت الحرام اعلام کرد که زید فرزند من است و ما از هم ارث می بریم^۱.

سپس پیامبر کنیز خود را (برّه حبشی) را به عقد وی در آورد و از آنها اسامه بن زید متولد شد^۲.

ازدواج زید با زینب دختر عمه پیامبر(ص):

پس از مشورت گرفتن زینب از پیامبر اکرم در مورد ازدواجش پیامبر زید را پیشنهاد دادند اما زینب خود را برتر دید گفت مرا به غلامت پیشنهاد می دهی من با او ازدواج نمی کنم، در این هنگام بود که آیه نازل شد (سوره احزاب) که هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند آشکارا گمراه شده است.

زینب راضی شد با زید بن حارثه ازدواج کند، اما همچنان خود را از زید برتر می دید و او را کنایه میزد و زید هم درصدد این بود که وی را طلاق دهد و از طرفی هم آیه نازل شد (سوره احزاب) که خداوند می خواست با ازدواج پیامبر با زینب، پسرخواندگی که رسم در میان اعراب بود را از بین ببرد، و پیامبر اکرم ترس این را داشت که مردم بگویند که همسر پسر خود را به عقد خود در آورده.

اما حکمت خداوند در این بود که زید بن حارثه زینب را طلاق دهد و پیامبر به وسیله ازدواج با زینب رسم پسرخواندگی را از بین ببرد.

اما تا به اینجا دو مورد از آیاتی که در مورد آنها روایاتی جعلی آورده شده که در تفسیر و تاویل آنها به پیامبران الهی تهمت میزنند اما آیات دیگری هم همانند این آیات وجود دارد.

آیات دیگری که در تاویل و معنای آنها اشتباه کرده اند:

۱. اتهام گنهگار بودن به آدم، از آیه ۱۲۱ سوره طه «و عَصَىٰ آدَمَ رَبَّهُ فَغَوَىٰ»

۲. در جریان شکستن بت ها توسط حضرت ابراهیم نسبت دادن آن به بت بزرگتر. «بل فعله کبیرهم» سوره انبیاء ۵۸-

۳. اتهام دزدی به برادران یوسف در حالی که آن لحظه دزدی نکرده بودند. «انکم لسارقون» سوره یوسف ۷۰-۷۸.

۴. گمان اشتباه حضرت یونس که خداوند او را در سختی قرار نمی دهد. سوره انبیاء ۸۷-۸۸

۵. بخشش گناهان گذشته و آینده پیامبر اکرم بنا بر آیات ۱ تا ۳ سوره فتح.

این چند مورد از آیاتی بودند که برخی در تاویل معانی آنها اشتباه کردند و ما ان شاءالله جلوتر به تفسیر صحیح آن می پردازیم.

پاورقی:

۱. اُسد الغابه، جلد ۲ ص ۲۲۴-۲۲۷

۲. اُسد الغابه، جلد ۷ ص ۳۰۳، در شرح حال «امّ ایمن»-استیعاب، ص ۷۶۵-اصابه، جلد ۴ ص ۴۱۵-

۴۱۷ شماره ۱۱۴۵

د-ذنب: ذنب عاقبت عمل است که در آینده به انسان می رسد اما این عاقبت و پی آمد اعمال گاهی دنیوی است مانند سخنان حضرت موسی با پروردگارش در سوره شعرا ۱۰-۱۵، و گاهی هم پی آمد اخروی است که نشأت گرفته از مخالفت مولوی است و گاهی هم پی آمد دنیوی و اخروی است که آن معصیت و قیحانه انسان در برابر خداوند است.

تاویل و معنای آیات: قبل از اینکه بخواهیم به روایات اهل بیت در برای آیات مذکور بپردازیم معنای لغوی برخی از کلمات را بیان می کنیم.

تاویل و معنای آیات گذشته بر اساس معنای واژه های لغت عرب:

الف- داستان حضرت ابراهیم و شکستن بت ها؛ حضرت ابراهیم وقتی فرمود «بل فعله کبیرهم» در مقام توریه بودند به قرینه اینکه بعدش فرمودند که «فاسئلوهم ان کانوا ینطقون» که آنها در جواب حضرت ابراهیم گفتند «لقد علمت ما هولاء ینطقون»^۱.

پاورقی: ۱-سوره انبیاء آیات ۶۳ و ۶۵

ب-داستان حضرت یوسف و برادران: در داستان حضرت یوسف که ماموران برادران او را که دزد خطاب کردند هم توریه وجود داشت چون آنها در گذشته یوسف را از پدرشان دزدیدند.

و همچنین در مورد پیمانته شاه ماموران گفتن گمشده آنها را دزد خطاب نکردند که در اینجا هم توریه وجود داشت.¹

ج-داستان رسول خدا پس از فتح مکه: «إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً، ليُغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تاخر و يُتمَّ نعمته عليك و يهديك صراطاً مستقيماً، وينصرک الله نصراً عزيزاً»

ترجمه «ما تورا فتح و پیروزی روشن دادیم، تا خداوند تبعات و پی آمدهای گذشته و آینده ات را بر تو ببوشاند، و نعمتش را بر تو تمام گرداند، و به راه راست هدایتت نماید، و خداوند یاریت می کند، یاری شکست ناپذیر»

شرح و تفسیر واژه ها:

الف-فتحنا: گشودیم، منظور از پیروزی اشاره دارد به صلح حدیبیه که باعث شد پیامبر بدون جنگ مکه را فتح کند.

ب-لیغفر: پوشاندن

ج- ذنبک: پی آمد کارت، اذنبته: دنبال او را گرفتیم.²

وقتی از این کلمه استفاده می شود یعنی آینده آن کار وخیم هست.

تاویل و معنای آیه بر اساس معنای لغوی: سوره فتح زمانی که پیامبر اکرم با مشرکان مکه صلح حدیبیه را انجام داد نازل شد، منظور از ما تقدم من ذنبک و ما تاخر، اینکه پی آمد کارهای پیامبر(کشتن مشرکان در جنگ ها، از بین بردن بت ها، و...) را به وسیله این صلح پوشانیدیم، همچنین می توان به این تعبیر هم تمسک کرد که منظور از ذنب بنا بر نظر مشرکان است نه ذنب واقعی، همانند داستان حضرت موسی در برابر قبطیان.

تاویل و معنای آیات در روایات امامان اهل بیت:

مأمون مجلسی ترتیب داد که تمام متکلمان را گرد هم جمع کرده بود که امام رضا را به تنگنا بکشاند، که علی بن جهم هم میان آنها بود وی در آنجا به پیامبران الهی تهمت های زد مثلاً به حضرت آدم «و عصىٰ آدم ربّه» یا به حضرت یوسف «و لقد همّت به و همّ بها» و یا به حضرت محمد «و تخفیٰ فی نفسک ما الله مبديه و تخشیٰ الناس و الله احق أن تخشاه».

امام رضا بعد از سرزنش وی برای نسبت دادن ناروا به انبیاء الهی در جوابش ابتدا آیه «و ما یعلم تاویلہ الا الله و الراسخون فی العلم» اولاً کتاب خداوند را بنا بر نظر خودت تفسیر نکن چون تفسیر آن را فقط خداوند و بعد اهل علم می دانند.

اما در جواب آیه «و عصىٰ آدمَ ربهٗ» حضرت آدم اصلاً برای بهشت خلق نشده بود بلکه تقدیر خداوند این بود که به این صورت وی را به زمین بفرستد او در زمین حجت خداوند باشد همانطور که خداوند در قرآن فرموده «ان الله اصطفىٰ آدمَ و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین» پس در نتیجه اینان برگزیدگان معصوم خداوند در زمین بودند.

و همچنین در جواب آیه «و لقد هممتُ به و همَّ بها» اون زن قصد فحشا داشت ولی حضرت یوسف اگر ناچار میشد قصد کشتن وی را داشت نه فحشاء که خداوند هر دو را از او دفع کرد.

اما علی بن جهم در مورد حضرت داوود هم تهمت های رو نقل کرد که وی نمازش را شکست به دنبال پرنده رفت همسر اوریا را در حال استحمام دید شوهرش را به جنگ فرستاد که کشته شود تا با همسرش ازدواج کند.

امام رضا رو کرد به علی بن جهم که چطور پیامبر الهی را محکوم به سبک شمردن نماز سپس به فحشاء و قتل متهم کردی،

علی بن جهم خطاب به امام رضا عرض کرد که اشتباه داوود پس چه بوده؟!

امام رضا: اشتباه داوود فقط این بود که وقتی دوتا ملک برای داوری پیش او آمدند از شاکی دلیل نخواست و به متشاکی هم وقت صحبت نداد، فقط همین مگر کلام خداوند رو نشنیده ای «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق»

پاورقی:

۱. تفسیر مجمع البیان، جلد ۳ ص ۲۵۲

۲. مفردات راغب، ماده ذنب

راوی گوید: پس داستان همسر اوریا چیست؟!

امام رضا: در عصر حضرت داوود اگر زنی شوهرش فوت می کرد دیگر ازدواج نمی کرد که ایشان اولین نفری بود که این سنت را برهم زد^۱.

و در جای دیگر آمده که «این حدّ افترا بر انبیاست»^۲.

اما اگر کسی اشکال کند که آنچه شما می گوید با مطالبی که در تفسیر منسوب به قمی متفاوت است؟!

خلاصه روایتی که در تفسیر منسوب قمی آمده «داوود در محراب نماز می خواند پرنده ای دید به دنبالش رفت تا جای که از دیوار بالا رفت و همسر اوریا را درحالی که خود را میشوید دید دل بسته شد شوهرش را فرستاد پیش تابوت که کشته شود و...»^۳.

و در جواب اشکال می‌گوییم که، راوی این روایت در مکتب خلفا روایات زیادی رو جمع آوری کرده و این روایت را از امام صادق نقل کرده، که فارق از بحث سند روایت از امام صادق در مورد حضرت داوود و همسر اوریا سوال شد که ایشان فرمودند «این روایت توسط عامه ساخته شده»⁴.

پس پر واضح است که این روایت مطابق نظر اهل بیت نیست و از مکتب خلفا به مکتب اهل بیت نشر پیدا کرده که به این قبیل روایات، روایات منتقله می‌گویند⁵.

بنابراین به صراحت می‌شود گفت که پیامبران الهی در اجرای احکام مردم دار بودند به عنوان مثال: پیامبر اکرم با ازدواج زید و زینب قانون «همتایی نسبی» با رسم «همتایی اسلامی» از بین برد و همچنین با ازدواج خودش با زینب رسم «پسر خواندگی» دوران جاهلیت را هم از بین بردند، حضرت داوود با ازدواج با همسر اوریا رسم ازدواج نکردن همسران بیوه را اصلاح کردند.

پیامبر اکرم در آخرین حج خودش (حجۃ الوداع) قانون ربا و خونخواهی دوران جاهلیت را هم از بین بردند⁶.

همانطور که روشن شد تمام این روایات تهمت‌هایی است که در قالب روایات اسرائیلی در تاویل قصص انبیا گسترش پیدا کرده که موجب آمیخته شدن حق و باطل شده است، اما علت گسترش این گونه روایات اینست که عامه با این روش می‌خواهد گناهان، جنایات و فسادهای افرادی همچون یزید بن معاویه و خلفای بنی امیه و... را توجیه کند تا کسی به آنها خرده ای نگیرد.

پاورقی:

۱. بحار، جلد ۱۱، ص ۷۳، به نقل از امالی صدوق، ص ۹۲، ۹۰- و عیون اخبار الرضا، ص ۱۰۸

۲. تفسیر خازن و فخر رازی و نورالثقلین در تفسیر آیه

۳. بحار، جلد ۱۴، ص ۲۰، ۲۳ به نقل از تفسیر قمی. والتتمه فی کتاب «الاسرائیلیات اثرها فی کتب

التفسیر» ص ۲۳۳، چاپ بیروت

۴. بحار جلد ۱۴، ص ۲۰۰

۵. به بحث «روایات منتقله» در کتاب ما «القرآن الکریم و روایات المدرستین» جلد دوم مراجعه نماید.

۶. سیره ابن هشام، جلد ۴ ص ۱۷۵، چاپ مصر.